

فصل‌نامه علمی پژوهش‌های تاریخی (نوع مقاله پژوهشی)  
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان  
سال پنجاه و هفتم، دوره جدید، سال سیزدهم  
شماره چهارم (پیاپی ۵۲)، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۱۴ - ۹۳  
تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰  
Doi: [10.22108/JHR.2022.128927.2205](https://doi.org/10.22108/JHR.2022.128927.2205)

## کارخانه اعتمادیه و تأثیر آن بر ساختار اقتصادی اجتماعی بوشهر در دوره پهلوی

فاطمه حاتمی\* - حبیب‌الله سعیدی نیا\*\* - محمد منصوری مقدم\*\*\*

### چکیده

در دوران پهلوی، صنعتی کردن کشور از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت بود؛ بنابراین در این دوره به ساخت کارخانه‌های نوین، به‌ویژه کارخانه‌های نساجی به علت اشتغال‌زایی و ارزش افزوده آن، در زمره یکی از مهم‌ترین شاخه‌های صنعت توجه شد. شهر بوشهر یکی از شهرهایی بود که برای ایجاد کارخانه‌های نساجی مناسب تشخیص داده شد؛ پس در سال ۱۳۱۷ش/۱۹۳۸م، حسین ایگار کارخانه نساجی اعتمادیه را در این شهر به طور رسمی تأسیس کرد. هدف پژوهش حاضر بررسی و تبیین چگونگی تأسیس، روند فعالیت و اثرهای کارخانه ریسندگی و بافندگی اعتمادیه بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی بوشهر است. پرسش اصلی نیز این است: چه علل و عواملی باعث تأسیس شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه در بوشهر شد و راه‌اندازی این شرکت بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی این شهر چه تأثیراتی گذاشت؟ فرضیه اصلی این است که سیاست‌های صنعتی‌سازی دولت پهلوی موجب تأسیس شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه در بوشهر شد و این امر رونق اقتصادی اجتماعی بوشهر را به دنبال داشت. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر داده‌های اسنادی آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، اسناد نویافته محلی، نشریات، منابع کتابخانه‌ای و متون دست اول، موضوع را بررسی و تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این شرکت بر ساختار اقتصادی و اجتماعی بوشهر تأثیرات چشمگیری گذاشت و علاوه بر افزایش اشتغال و مهاجرت، رشد آگاهی کارگران و شکل‌گیری طبقه کارگر شهری و صادرات کالاهای غیرنفتی را در این شهر موجب شد.

**واژه‌های کلیدی:** کارخانه ریسندگی و بافندگی، طبقه کارگر، مهاجرت، پهلوی، بوشهر.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

hatmyfatmh756@gmail.com

\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران (نویسنده مسؤول) saeedinia@pgu.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران mansorimoghadam@pgu.ac.ir



## مقدمه

صنعت نساجی یکی از صنایع مهم ایران، در طول قرون متمادی بوده است. با سقوط سلسله قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی، در تاریخ صنایع ایران فصل تازه‌ای ایجاد شد. رضاشاه با انجام اصلاحات، به صنایع توجه ویژه‌ای کرد. او مدرنیزاسیون در عرصه صنعت را در حکم یک هدف مطرح کرد و در این راستا، به تأسیس و گسترش صنایع دست زد. این سیاست اقتصادی زمینه‌ساز تأسیس کارخانه‌های نساجی در مناطق مختلف ایران شد.

در ایران، نخستین کارخانه نساجی در سال ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م تأسیس شد. به دنبال آن، واحدهای مختلف صنعتی مرتبط با نساجی از قبیل نخ‌ریسی، گونی‌بافی و غیره در یزد، کرمان، کاشان، گیلان و مازندران به وجود آمد. تا سال ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، به ایجاد صنایع در کشور به صورت جدی توجه نشد؛ اما از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۷ش/۱۹۳۱ تا ۱۹۳۸م صنعتی‌سازی در اولویت برنامه‌های اقتصادی دولت رضاشاه قرار گرفت و تا سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م، کارخانه‌های بسیاری در ایران ساخته شد. از بین کارخانه‌هایی که در ایران ساخته شد، هفده کارخانه به نساجی اختصاص یافته بود. در دوره محمدرضا پهلوی نیز به علت افزایش بهای نفت و تلاش او برای رقابت با کشورهای اروپایی، صنایع از جمله صنعت نساجی، رشد و رونق فراوانی پیدا کرد.

در دوره رضاشاه کارخانه‌های نساجی در استان‌های مختلف، از جمله بوشهر، در راستای اشتغال‌زایی و خودکفایی اقتصادی ایجاد شد. شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه یکی از کارخانه‌هایی بود که در زمینه صنعت نساجی در دوره رضاشاه تأسیس شد و رونق پیدا کرد. حسین ایگار، از تاجران سرشناس و خیر شیراز، این شرکت را در

۴ آبان ۱۳۱۷ش/اکتبر ۱۹۳۸م به طور رسمی در محله دواس بوشهر تأسیس کرد و از این زمان، شرکت شروع به کار کرد. از علت‌های انتخاب این مکان برای شرکت علاوه بر فضای فیزیکی و زمین مناسب، وجود نیروی کار ارزان، موقعیت بندری و امکان تجارت با کشورهای دیگر، حمل و نقل ایمن و ارزان از راه دریا و نیز نزدیکی به منطقه پس‌کرانه‌ای فارس بود.

مسئله پژوهش حاضر بررسی و تبیین چگونگی تأسیس، روند فعالیت و اثرها و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه بوشهر در دوره پهلوی است که تاکنون درباره این پژوهش کار علمی مستقلی صورت نگرفته است. پرسش اصلی پژوهش این است: چه علت‌ها و عواملی باعث تأسیس شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه در بوشهر شد و راه‌اندازی این شرکت بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی این شهر چه تأثیراتی داشت؟ فرض بر این است که سیاست‌های صنعتی‌سازی دولت پهلوی برای توسعه اقتصادی ایران، به ویژه گسترش صنایع نساجی کشور، باعث تأسیس شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه در بوشهر شد. این امر موجب رونق اقتصادی بوشهر شد؛ بنابراین افزایش اشتغال، رشد مهاجرت، شکل‌گیری طبقه کارگر شهری و صادرات کالاهای غیرنفتی را به دنبال داشت.

### شکل‌گیری صنعت نساجی و راه‌اندازی کارخانه اعتمادیه در بوشهر

صنعت نساجی از جمله صنایعی بود که در دوره پهلوی برای توسعه آن تلاش فراوان شد. با روی کار آمدن رضاشاه، فصل جدیدی در تاریخ صنایع ایران آغاز شد که یکی از نتایج آن، حمایت از تولیدات ساخت ایران بود. مجلس در سال ۱۲۹۹/۱۹۲۱م، در

کوششی به‌منظور متوقف کردن ورود حجم گسترده‌ای از پارچه‌های وارداتی و تشویق صنایع پارچه‌بافی داخلی، پوشیدن پارچه‌های بافت ایران را برای کارمندان دولت و کارکنان ارتش اجباری دانست (فلور، ۱۳۷۱: ۲۷).

در همین راستا در سال ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م، مجلس پنجم قانون معافیت ماشین‌های فلاحی و صنعتی را از تأدیه گمرک تصویب کرد (همان: ۲۹)؛ همچنین در سال ۱۳۰۳ش/۱۹۲۴م، وزارت فواید عامه برای ساختن کارخانه‌های پارچه‌بافی در ولایت‌های استرآباد، شاهرود، بسطام و دامغان امتیازی به مدت ده سال اعطاء کرد. نیز در همین سال، وزارتخانه مزبور با پیشنهاد شرکت آلمانی برای ساختن کارخانه‌های ریسندگی، ابریشم و پنبه به‌منظور بافتن پارچه و ساختن کارخانه‌های کاغذسازی و آبجوسازی موافقت کرد.

صنایع نساجی گسترده‌ترین، خصوصی‌ترین و بومی‌ترین صنعت کشور بود که ظرفیت اشتغال‌زایی بسیار چشمگیری داشت (فوران، ۱۳۹۰: ۳۵۴)؛ ولی این صنعت دچار کمبود نیروی متخصص و ماهر بود. دولت برای پرورش نیروی کار ماهر، مراکزی تأسیس کرد. از سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م تا سقوط پهلوی اول در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م، ۱۲۱ واحد نساجی در بخش ریسندگی و بافندگی شکل گرفت. این تولیدات تنها ۱۵ درصد نیاز داخلی را تأمین می‌کرد. فلسفه وجودی تأسیس کارخانجات نساجی توسط پهلوی اول، کمک به صادرات و جایگزینی کالاهای وارداتی بود (رزاقی، ۱۳۶۷: ۸۶).

فرازونشیب‌های سیاسی، اهداف بلندمدت صنعت نساجی پهلوی اول را با اختلال مواجه کرد؛ اما در مجموع، صنعت نساجی در دوره رضاشاه رشد چشمگیری داشت. شروع جنگ جهانی دوم بر اقتصاد ایران اثرهای مخربی گذاشت. در جنگ جهانی دوم

اقتصاد ایران بسیار آسیب دید و کشاورزی افت کرد و صنایع نیز دچار رکود فراوانی شدند. پیش از جنگ جهانی دوم، با توجه به تکنولوژی ساده و کاربر بودن آن، صنایع به طور عمده از نظر ماشین‌آلات به خارج وابسته بود؛ اما پس از جنگ جهانی دوم، با توجه به پیچیدگی تکنولوژیک و افزایش شکاف بین تکنولوژی بومی ایران و تکنولوژی صنعتی کشورهای توسعه‌یافته، وابستگی صنایع تشدید شد (همان: ۳۶۳)؛ علاوه بر آن، سهم صنعت در تولید ناخالص ملی از ۱۸۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م به ۱۵۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۲۴ش/۱۹۴۵م کاهش یافت. ایجاد کارخانه‌های بزرگ دچار افت شدیدی شد. بخش عمده صنعت، یعنی صنایع نساجی و بافندگی، به شدت تنزل یافت. این بخش با مشکلات عدیده و رکود ناشی از جنگ و اشغال، به‌اضافه فرسودگی ماشین‌آلات و کمبود قطعات یدکی و امکان‌نداشتن ورود آن و مسائل کارگری از این دست مواجه شد. صنایع کارخانه‌ای که در دهه ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م از نظر وسایل و تجهیزات به آلمان وابسته شده بود، دچار آسیب بسیاری شد و صنایع دولتی نیز به فراموشی سپرده شد (فوران، ۱۳۹۰: ۳۹۸).

در مجموع خروج شاه از کشور، تزلزل سیاسی دولت و مجلس، حضور متفقین و نبود کنترل بر واردات باعث شد در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش/۱۹۴۱ تا ۱۹۵۳م کالاهای تولید نساجی‌های خارجی، کشور را فرا گیرد و ارزش فراوانی از کشور خارج شود؛ بنابراین در این دوره، یعنی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، پیشرفت چشمگیری در صنعت نساجی دیده نمی‌شود (مستوفی، ۱۳۴۳: ۴۲۹/۳).

پس از شهریور ۱۳۲۰ش که بحران‌های مالی و کارگری در کارخانه‌ها حادث شد، نفوذ و نقش دولت بسیار پررنگ‌تر شد (رجائی، ۱۳۹۳: ۱۰۶ و ۱۰۷)؛ چون پس از شهریور ۱۳۲۰، براساس سیاست‌های جدید

دولت، کشاورزان مجبور شدند به جای کشت پنبه به کشت گندم و حبوبات روی آوردند و میزان محصول پنبه در کشور کاهش محسوس پیدا کرد. وزارت بازرگانی نیز سهمیه پنبه کارخانه‌ها را کم کرد؛ بنابراین کاهش تولید پنبه افزایش قیمت پنبه را به دنبال داشت و این امر موجب کاهش محصول کارخانه‌های نساجی شد.

علاوه بر آن، جنگ جهانی دوم موجب شد دستمزد کارگران چند برابر شود؛ همچنین متخصصان آلمانی و انگلیسی که پیش از جنگ کارخانه‌های ایران را اداره می‌کردند، از کشور رفته بودند و کارگران ایران نیز اطلاعات کافی و دقت لازم را نداشتند. این مسائل باعث شده بود کیفیت پارچه‌های تولیدی نامرغوب و قیمت آن بسیار گران‌تر از مشابه خارجی شود. وقتی صاحبان کارخانه‌ها با چنین اوضاعی مواجه شدند، به دولت پیشنهاد کردند در تمام امور کارخانه‌ها نظارت داشته باشد؛ یعنی خرید مواد اولیه زیر نظر دولت انجام شود و پس از تهیه محصول و فروش آن، حقوق کارگران و کارمندان پرداخت شود و چنانچه مازادی وجود داشت، بین صاحبان سهام کارخانه‌ها تقسیم شود.

شاید بنابر عوامل برشمرده، کارگران و مدیران کارخانه‌های خصوصی می‌خواستند دولت دخالت کند و این‌گونه مشکلات بین کارگران و مدیران حل شود. ورود بی‌رویه منسوجات خارجی نیز مزید بر علت شد و ارز فراوانی از کشور خارج کرد. این مسائل موجب شد در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م کارخانه‌های نساجی با شورش‌های کارگری فراوانی روبه‌رو شوند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۲۹/۳). کشور به همین وضع دچار بود تا با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و برکناری مصدق، به علت درآمدهای نفتی، صنعت ایران وارد دوره رشد دیگری شد. برنامه‌های توسعه عمرانی و

در بوشهر نیز این صنعت بنا به علت‌هایی حائز اهمیت بود. این علت‌ها را باید این‌گونه برشمرد: نیروی کار ارزان و نبود صنایع فعال، اشتغال‌زایی، نزدیکی به دریا و تأثیر صدور محصولات این کارخانه بر رونق تجارت خارجی دریایی ایران و بوشهر و نیز تأثیر بر رونق اقتصادی این بندر به‌ویژه با انتقال کانون تجاری خلیج فارس از بندر بوشهر به بندر خوزستان که رکود تجاری این منطقه را به دنبال

در سال ۱۳۵۰ش/۱۹۷۱م از کل محصول تولیدی در گروه صنایع مدرن، گرچه نه بسیار نوین، پارچه‌بافی و ریسندگی بیشترین سهم را، ۱۷/۸ درصد، داشت. در سال ۱۳۵۴ش/۱۹۷۵م و در پی انفجار عواید نفت، اوضاع تغییر درخور توجهی یافت؛ به‌ویژه سهم اتومبیل به سرعت به ۲۱/۶ درصد رسید. این در حالی بود که ریسندگی و پارچه‌بافی مقام مسلط خود را از دست داد و سهم آن به ۱۳/۵ درصد کل کاهش یافت (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۳۲۹).

در بوشهر نیز، مانند سایر مناطق کشور، صنعت نساجی حائز اهمیت بود. این اهمیت در نمونه‌های زیر مشخص می‌شود: اشتغال‌زایی گسترده، ایجاد ارزش افزوده، وجود بازارهای بزرگ در جهان، نیازداشتن به فناوری پیچیده، امکان رشد و توسعه صنعت در حوزه فناوری، سرانه سرمایه‌گذاری کمتر برای ایجاد اشتغال در مقایسه با سایر صنایع، بومی بودن صنعت نساجی کشور، امکان تأمین بخش عمده‌ای از مواد اولیه صنعت در داخل کشور با کمک صنایع پایین‌دستی پتروشیمی و نیز الیاف طبیعی مانند پنبه و پشم و ابریشم (اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک، ۱۳۹۱: ۵).

شاید بنابر عوامل برشمرده، کارگران و مدیران کارخانه‌های خصوصی می‌خواستند دولت دخالت کند و این‌گونه مشکلات بین کارگران و مدیران حل شود. ورود بی‌رویه منسوجات خارجی نیز مزید بر علت شد و ارز فراوانی از کشور خارج کرد. این مسائل موجب شد در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م کارخانه‌های نساجی با شورش‌های کارگری فراوانی روبه‌رو شوند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۲۹/۳). کشور به همین وضع دچار بود تا با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و برکناری مصدق، به علت درآمدهای نفتی، صنعت ایران وارد دوره رشد دیگری شد. برنامه‌های توسعه عمرانی و

داشت؛ بنابراین تأثیر صنعت بر رونق اقتصادی بوشهر اهمیت چشمگیری داشت.

در بوشهر وجود یک کارخانه ریسندگی و بافندگی از ضروریات آن عصر بود؛ بنابراین تجار بوشهر و انجمن اتاق بازرگانی از سال ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳ م تصمیم گرفتند یک کارخانه ریسندگی و بافندگی در بوشهر بنا کنند. سرانجام در ۴ آبان ۱۳۱۷/اکتبر ۱۹۳۸ م به طور رسمی، بنای کارخانه نساجی در بوشهر در عمارت عبدالنبی شهیم کازرونی، معروف به باغ جمس، در بیرون شهر و در منطقه بهمنی (دواس) گذاشته شد و به نام مؤسس آن، به کارخانه اعتمادیه مشهور شد (اسناد اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر، دایره ثبت شرکت‌ها، سند رسمی قوه قضائیه شرکت، سند شماره ۱).

#### تشکیلات اداری شرکت اعتمادیه

تشکیلات و مدیریت شرکت اعتمادیه براساس اساسنامه‌ای بود که در نخستین مجمع عمومی شرکت، در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۱۷ و در ۵ فصل و ۶۳ ماده به تصویب رسید. براساس اساسنامه مزبور، شرکت اعتمادیه از همان ابتدا به صورت شرکتی سهامی خاص بود (اسناد اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر، دایره ثبت شرکت‌ها، به شماره ۳۸۴۴، به تاریخ ۱۳۱۷/۱۰/۴). براساس دفتر مجمع عمومی شرکت در نشست نخست در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۱۷ و شرح نشست دوم به تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۱۷، تمام وجوه پرداختی تعهدکنندگان ۵۹۶ سهم و به مبلغ ۲/۹۸۰/۰۰۰ ریال و سهام تعهدی خود حسین ایگار ۴۰۶ سهم و به مبلغ ۲/۰۲۰/۰۰۰ ریال بود که همگی پرداخت شده بود. در ابتدا تمام سهام شرکت، بی‌نام به افراد واگذار می شد (اسناد موجود در دفتر شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه، سندهای شماره ۲ تا ۴)؛

ولی در ۵ آذر ۱۳۴۸ ش/نوامبر ۱۹۶۹ م، براساس تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده، تمام سهام این شرکت از بی‌نام به بانام تغییر یافت (روزنامه پیک خجسته، شماره ۹۸۷، ۱۰/۲/۱۳۵۱: ۳).

براساس اساسنامه، مدیرعامل در رأس هرم مدیریت شرکت قرار داشت؛ سپس اعضای هیئت مدیره قرار داشتند که شامل هفت عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل بودند و مجمع عمومی آنها را برای مدت چهار سال انتخاب می‌کرد. پس از اعضای هیئت مدیره، دو بازرس بودند که مجمع عمومی سالانه آنها را تعیین می‌کرد. مدیرعامل اختیارات کامل شرکت اعم از استخدام نیرو، عزل و نصب کارکنان و امضای قراردادهای مختلف را دارا بود (اساسنامه شرکت اعتمادیه، ماده ۵۰: ۱۶).

بر پایه اساسنامه، مرکز اصلی شرکت منطقه بهمنی در بوشهر بود و تغییر مکان به اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام وابسته بود (اساسنامه شرکت اعتمادیه، ماده ۳: ۳). از لحاظ مدت زمان فعالیت نیز، مدت زمان غیرمحدود را برای شرکت لحاظ کرده بودند. در کل، مواد مختلف اساسنامه مزبور تمام مسائل شرکت همچون نحوه تشکیل و محل شرکت، چگونگی تعیین مدیرکل، نحوه انتخاب و چگونگی فعالیت و اختیارات هیئت مدیره، نحوه سرمایه‌گذاری و خرید تجهیزات و مواد اولیه، مجمع عمومی و فوق‌العاده، وظایف بازرسان، تنظیم حساب سالیانه (ترازنامه) و تعیین منافع شرکت و سرانجام نحوه انحلال شرکت را مشخص کرده بود. برای ثبت وقایع نیز دفاتر ثبت و ضبط وقایع در محل دفتر مرکزی در بهمنی قرار داشت و همان دفاتر مبنای مکتوبات شرکت محسوب می‌شد (اسناد اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر، دایره ثبت شرکت‌ها، بدون شماره: به تاریخ ۱۳۲۶).

**نیروی انسانی، تجهیزات و تولیدات کارخانه اعتمادیه**  
 شرکت اعتمادیه برای فعالیت در حوزه تولید و امور اداری و خدماتی، کارکنان فراوانی داشت. در سال ۱۳۱۷ش/۱۹۳۸م مجموع کارکنان این شرکت ۹۶۰ نفر بود که از این تعداد، ۹۱۶ نفر کارگر و ۲۴ نفر کارمند بودند. در دوران رونق تولید نیز تعداد کارکنان آن بیش از ۱۰۰۰ نفر بود. کارگران شرکت از بوشهر و حومه آن بودند که در سه نوبت، کار می‌کردند. بیشتر کارکنان، یعنی حدود ۹۲ درصد، مردان بودند و فقط حدود ۸ درصد را زنان تشکیل می‌دادند (تصویر شماره ۲). کارگران زن نوبت شب نداشتند و فقط صبح و عصر کار می‌کردند.

مدیریت شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه از زمان شروع در سال ۱۳۱۷/۱۹۳۸م تا سال ۱۳۲۴ش/۱۹۴۵م برعهده حسین ایگار بود. عصر طلایی شرکت اعتمادیه نیز در دوران ریاست او بود. فعالیت کارخانه اعتمادیه در آن زمان به اندازه‌ای خوب بود که هیئت‌مدیره شرکت به مدیرعامل اجازه داد پس از رفع حاجت پولی خود، سرمایه اضافی شرکت را در شرکت سهامی سیمان شیراز مشارکت دهد و معادل سرمایه فعلی اضافی، در شرکت سهامی سیمان شریک شود (اسناد اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر، دایره ثبت شرکت‌ها، ۱۳۲۶: ۱).

کارگران کارخانه نیز از امکانات رفاهی و تفریحی خوبی برخوردار بودند. شرکت باشگاه ورزشی و تیم فوتبال داشت. امکانات بهداشتی و درمانی نیز در شرکت دایر بود؛ از جمله وجود یک شیرخوارگاه و در سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م نیز یک پزشک با حقوق ماهانه ۵۰۰۰ ریال برای رعایت بیشتر بهداشت و تأمین سلامتی کارگران استخدام شد (ساکما، سند شماره ۹۸۹۷۹۰-۲۹۳). یکی دیگر از اقدامات کارخانه در راستای توجه بیشتر به کارگران و نیروی‌های

شاغل، واگذاری قسمت عمده‌ای از زمین‌های پلاک‌بندی خود، واقع در منطقه دواس، به آنها بود (پولادتن، مصاحبه، بوشهر، ۱۳۹۸).

علاوه بر این، شرکت در زمانی که از درآمد خوبی برخوردار بود، به کارکنان خود وام بدون بهره یا با کمترین بهره پرداخت می‌کرد و این کارکنان به مرور زمان بدهی‌های خود را پرداخت می‌کردند. در صورتی که شرکت با مشکل مالی روبه‌رو می‌شد، از کارکنان خود، بدهی ناشی از وام را استرداد می‌کرد. در مجموع در ایام مدیریت ایگار، کارگران رضایت شغلی نسبی داشتند (روزنامه کیهان، ش ۸۶۲۴، ۱۳۵۱/۱/۲۷: ۳). در زمان مدیریت او، شرکت از لحاظ تولید محصول در وضعیت مناسبی به سر می‌برد و پارچه‌های تولیدی شرکت به سایر شهرهای ایران فرستاده می‌شد.

با شروع جنگ جهانی دوم و پیامدهای مختلفی که در پی داشت، همه کارخانه‌ها از جمله کارخانه اعتمادیه با مشکلات مختلفی روبه‌رو شدند. یکی از گرفتاری‌های کارخانه اعتمادیه این بود که به علت وضعیت جنگ، صاحبان این کارخانه دیگر قادر نبودند ماشین‌آلات خود را از خارج وارد کنند و کار کارخانه به تعویق افتاد؛ همچنین کارخانه به علت افت تولید و کاهش فروش محصولات و کم‌شدن درآمد، توان پرداخت دستمزد کارگران را نیز نداشت. به علت همین مشکلات، ایگار مجبور به استعفا شد. با استعفای او، در ۱۴ آذرماه ۱۳۲۷/۱۹۴۸م مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای تشکیل شد. این مجمع، جلیل آراین را به سمت مدیرکل شرکت و رئیس هیئت مدیره انتخاب کرد (اسناد اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر، دایره ثبت شرکت‌ها، ۱۳۲۹: ۱).

پس از آراین، مدیریت کارخانه را به ترتیب بهبهانی و ریاضی عهده‌دار شدند. ولی آنها نیز از پس مشکلات

کارخانه برنیامند و کارخانه به مدت دوازده سال از رونق افتاد. تا اینکه فرد دیگری، این بار هم از شیراز، به نام علی کاظمی در سال ۱۳۴۷ش/۱۹۶۷م کارخانه را فعال کرد (اسناد اداره ثبت اسناد و املاک بوشهر، دایره ثبت شرکت‌ها، براساس نامه شماره ۱۱۳۸ شرکت اعتمادیه و به تاریخ ۱۳۴۹/۱/۱۱).

زمانی که کاظمی به کارخانه آمد، متوجه شد دستگاه‌ها بسیار قدیمی شده‌اند؛ بنابراین خرید ماشین‌آلات جدید از خارج را در اولویت کاری خود قرار داد. او به‌ویژه از کشور ژاپن ماشین‌آلات بسیاری وارد کرد. این دستگاه‌ها را پسر علی کاظمی، مرتضی کاظمی، که تحصیل کرده آمریکا در رشته نساجی بود، خریداری کرد و پس از دو سال، یعنی در سال ۱۳۴۹ش/۱۹۷۰م، دستگاه‌های مزبور را نصب کردند. علاوه بر خرید دستگاه‌ها، اقدام دیگر کاظمی ساخت وسازهای جدیدی بود که در کارخانه شروع کرد و در سال ۱۳۵۱ش/۱۹۷۲م موفق شد کارخانه را آماده بهره‌برداری کند؛ ولی هم‌زمان با رونق دوباره کارخانه، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م اتفاق افتاد که این واقعه نیز مشکلات بسیاری برای رونق تولید کارخانه به دنبال داشت. پس از انقلاب نیز جنگ بین ایران و عراق شروع شد و موجب شد کارخانه در سرآشویی سقوط قرار گیرد.

سرانجام علی کاظمی در دی‌ماه ۱۳۷۲ش/۱۹۹۴م فوت کرد و مدیریت کارخانه به‌عهده فرزندش، مرتضی کاظمی، گذاشته شد؛ این گونه که براساس انتخابات مجمع عمومی عادی، مورخ ۲۲ تیرماه ۱۳۷۴/۱۹۹۵م که در تهران تشکیل شد، مرتضی کاظمی در مقام مدیرعامل برای مدت دو سال انتخاب شد (اسناد اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر، دایره ثبت شرکت‌ها، به شماره ۹۲۵۶، به تاریخ ۱۳۷۴/۴/۲۲).

براساس ماده ۲۷ اساسنامه، قرار شد اسناد مالی

شرکت به امضای مدیرعامل به همراه یکی از آقایان، مصطفی کاظمی یا محمدجواد رستگاری، برسد (اسناد اداره کل ثبت اسناد و املاک بوشهر، دایره ثبت شرکت‌ها، ۹۲۵۶: ۱). مرتضی کاظمی پس از عهده‌داری مدیریت کارخانه، سروسامان دادن به اوضاع کارخانه را شروع کرد. در سال ۱۳۷۹ش/۲۰۰۰م چون ماشین‌آلات ریسندگی فرسوده شده بودند، دوباره ماشین‌آلات جدیدی، ساخت ایتالیا خریداری و نصب شد. این کار موجب شد درواقع، شرکت نوسازی شود؛ پس از این نوسازی، کارخانه تولید نخ پنبه‌ای ظریف با نمرات مختلف را شروع کرد که روزانه توان تولید ۴۰۰ تن را داشت و سپس با اضافه کردن ماشین‌آلات گلوگاهی، امکان تولید شرکت به ۶۰۰ تن نخ پنبه‌ای رسید.

یکی از اهداف اصلی کارخانه افزایش تولیدات آن بود که از نخ پنبه تهیه می‌شد. به طور معمول پنبه را از گرگان، ساری، یزد، فسا و کاشان وارد می‌کردند. پارچه که بافته می‌شد (تصویر شماره ۳ و ۴)، برای رنگ‌آمیزی بیشتر، آن را به شهرهایی مانند گرگان و کاشان می‌فرستادند (ساکما: سند شماره ۹۸۹۷۹۰-۲۹۳).

## تأثیر کارخانه اعتمادیه بر ساختار اجتماعی فرهنگی

### ۱. شکل‌گیری جنبش کارگری در بوشهر

نخستین جلوه‌های جنبش کارگری در ایران به سال‌های پس از ۱۲۸۶ش/۱۹۰۷م بازمی‌گردد. آن سال‌ها کارگران چاپخانه‌های تهران به سازمان‌دهی خود موفق شدند و درنهایت در سال ۱۲۸۹ش/۱۹۱۰م اتحادیه کارگری خود را تشکیل دادند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). برخی سال ۱۲۹۹ش/۱۹۲۰م را سال اوج اعتلای جنبش کارگری در ایران می‌دانند؛ چون در این سال کارگران موفق شدند تعداد درخور توجهی اتحادیه کارگری تشکیل

دهند. از سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م اتحادیه‌های ایرانی به اتحادیه کارگری بین‌المللی کمونیست مسکو وابسته بود (فلور، ۱۳۷۱: ۲۷).

در آن زمان که با اختناق شدید حکومت رضاشاه هم‌دوره بود، حزب کمونیست و متعاقب آن جنبش کارگری موفق نشد کاری از پیش ببرد (حافظیان، ۱۳۸۰: ۲۲). با پایان یافتن حکومت رضاشاه، در ایران فضای باز سیاسی ایجاد شد و در پی آن، با ظهور انبوه احزاب از جمله حزب توده، گروه‌های پارلمانی و مجامع صنفی ظهور یافتند و شروع به فعالیت کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۵۴).

مهم‌ترین موفقیت حزب توده در سازمان‌دهی کارگران بود. در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳/۱ مه ۱۹۴۴ گروهی از سازمان قدیم جنبش کارگری که با حزب توده ارتباط نزدیک داشتند، ادغام چهار فدراسیون اتحادیه‌ای در شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگری و زحمتکشان ایران را اعلام کردند. شورای متحده با شصت اتحادیه وابسته، چند صد هزار عضو و داشتن روزنامه‌ای به نام ظفر و با تلاش برای سازمان‌دادن هرچه سریع‌تر تمام مزدبگیران شهری، به جز افراد شاغل در بخش‌های اقتصادی مؤثر در مقاصد جنگی، آغاز به کار کرد. این سازمان موفق شد در تهران و سایر شهرها، همچون اصفهان و تبریز، جمعیت درخور توجهی را پیرامون خود گرد آورد و به سازمانی در مرکز توجه سیاسی بدل شود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۶۳).

علاوه بر تهران و مناطق شمالی و مرکزی، جنبش‌های کارگری در مناطق و مراکز عمده شهری جنوب ایران مانند یزد، بوشهر، دزفول و زاهدان و نیز مناطق صنعتی کوچکی همچون آغاجری، رامهرمز، ماهشهر و دشت میشان شروع به عضوگیری و فعالیت کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۷۰).

بندر بوشهر یکی دیگر از شهرهای جنوب کشور بود که با حرکت کارگران روبه‌رو شد. فقر و زندگی متکی به دریا و دریانوردی باعث شده بود در بوشهر، ظهور و بروز طبقه متوسط با رشد بسیار کمی مواجه شود. تأسیس شرکت اعتمادیه که مهم‌ترین شرکت صنعتی این شهر محسوب می‌شد و به تبع آن، شکل‌گیری تفکر کار و فعالیت باعث ظهور و بروز تشکل‌های کارگری و آگاهی‌های طبقاتی در بین مردم این بندر و نواحی پیرامونی آن شد. برخلاف سال‌های نخستین تشکیل کارخانه اعتمادیه که کارگران از خدمات رفاهی خوبی برخوردار بودند، به مرور زمان کارخانه با مشکلاتی روبه‌رو شد؛ به نحوی که کارگران اوضاع مطلوبی نداشتند. آنها در سه نوبت و مرتب کار می‌کردند و دستمزدشان بسیار کم بود. آنها به علت پرداخت نشدن به موقع حقوق و پرداخت نشدن مطالباتشان، از مدیریت کارخانه ناراضی بودند (فلور، ۱۳۷۱: ۸۵).

به همین علت در بین کارگران کارخانه اعتمادیه نیز زمینه برای فعالیت احزاب چپ، به‌ویژه حزب توده، فراهم شد. اعضای حزب توده، کارگران را به ابراز نارضایتی و دریافت مطالباتشان تشویق می‌کردند. در پی این تشویق‌ها، کارگران این کارخانه در خرداد ۱۳۲۵/۱۹۴۶م برای درخواست اضافه‌حقوق دست به اعتصاب زدند. در پیگیری وضعیت آنها، در روز ۲۶ خرداد جلسه‌ای با حضور فهیمی فرماندار، ایگار مدیرکل کارخانه، رضا هفته، علی‌اکبر دوانی نماینده شرکا و ۱۲ نفر از نمایندگان کارگران در شیراز تشکیل شد. پس از مذاکرات، قرار شد متناسب با کاری که کارگران انجام می‌دهند، به حقوق آنها اضافه شود؛ همچنین مقرر شد کارگران روزانه هشت ساعت کار کنند و اضافه از هشت ساعت، در روز صدی ۳۵ و در شب صدی ۵۰ بیشتر دریافت کنند (ساکما، ۱۰۴۰۶-۵۵۷۲۰).



در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۲۹/دسامبر ۱۹۵۰ نیز عده‌ای از کارگران کارخانه اعتمادیه با ارسال نامه‌ای به فرماندار شهرستان بوشهر خواستار رسیدگی به امورشان شدند. آنها از جمله کارگرانی بودند که به علت تعطیل شدن شرکت، به مدت شش ماه بیکار شده بودند و در وضعیت نابسامانی به سر می‌بردند. این کارگران درخواست کردند یا شرکت دوباره راه‌اندازی شود که کارگران بر سر کار خود برگردند یا برای این همه کارگر که از اطراف بوشهر و خود بوشهر بودند، در جای دیگر کار پیدا کنند تا بتوانند وضعیت بد و اسفناک خود را بهبود بخشند (ساکما، ۱۰۴۰۶-۵۵۷۲۰).

این نارضایتی‌ها در میان کارگران ادامه پیدا کرد و در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۳۰/سپتامبر ۱۹۵۱م نیز عده‌ای از کارگران کارخانه اعتمادیه به مدیریت کارخانه مراجعه کردند و از وضعیت موجود کارخانه ابراز نارضایتی کردند (ساکما، ۷۰۹۱، ۲۸).

در ۲ اردیبهشت ۱۳۳۰/مه ۱۹۵۱ نیز کمیسیون متشکل از فرماندار بوشهر، رئیس انجمن شهر، رئیس بانک ملی، ریاضی نماینده کارفرما و رستمیان نماینده کارگران، برای تعیین حقوق کارگران، در فرمانداری بوشهر تشکیل شد. پس از مذاکرات بسیار و به علت گرانی قیمت مواد اولیه کارخانه، به ویژه قیمت پنبه، در نهایت مبلغ ۲۵ ریال در حکم حداقل دستمزد کارگران تعیین شد (ساکما، ۹۷۹۰-۲۹۳).

در شهریور ۱۳۳۰/سپتامبر ۱۹۵۱ نیز عده‌ای از کارگران کارخانه اعتمادیه بوشهر شکایتی کردند مبنی بر اینکه حقوقشان به تعویق افتاده است. شرکت اعتمادیه در جواب این شکایت پاسخ داد این شکایت از طرف کارگران نیست و عامل آن چند نفر توده‌ای است که در کارخانه نفوذ کرده و باعث آشوب و اختلال در امور کارخانه شده‌اند. همچنین در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶/ش ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷م در کارخانه اعتمادیه،

اختلاف و درگیری بسیاری بین کارگران به وجود آمد که این اختلاف باعث شد مردم بوشهر و فرمانداری و غیره نگران تعطیل شدن کارخانه شوند. در روز یکشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۳۶/ژوئن ۱۹۵۷، براساس دعوت اداره کار، هیئت حل اختلاف شهرستان بوشهر جلسه‌ای تشکیل داد که دستور کار آن بررسی مشکلات کارگران کارخانه اعتمادیه بود (ساکما، ۵۴۱۷، ۱).

البته مشکلاتی که در کارخانه اعتمادیه وجود داشت تنها متوجه کارگران نبود و سهام‌داران نیز از دست مدیران کارخانه شاکی بودند. در این زمینه، در سال ۱۳۳۵ش/۱۹۵۶م محمد برازجانی، نماینده سهام‌داران کارخانه‌های فارس، ضمن ارسال نامه‌ای متقاضی پرداخت حق سهام‌داران از طرف کارخانه‌های استان هفتم، مانند شیراز و بوشهر، از جمله اعتمادیه بوشهر شده بود (ساکما، ۹۸۳۸، ۱). محمدعلی بهبهانی، مدیر آن مقطع زمانی کارخانه اعتمادیه، سود حاصل را به سهام‌داران پرداخت نمی‌کرد و باعث شده بود در کارخانه اوضاع نابسامانی به وجود آید (ساکما، ۱۴۰۰۲، ۱). سرانجام سهام‌داران از استاندار استان هفتم درخواست کردند پیگیری پرداخت حقوق کارگران باشد و از تعطیلی کارخانه جلوگیری کند (ساکما، ۹۸-۲۹۳-۵۱۰۹، ۱).

در اواخر تابستان ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م نیز باز تعدادی از اعضای حزب توده با نفوذ در شرکت اعتمادیه، برای ایجاد نارضایتی و به راه انداختن حرکت‌های کارگری تلاش کردند. رئیس شرکت نیز با ارسال نامه‌ای به استاندار استان هفتم اعلام کرد این افراد از کارگران شرکت اعتمادیه نیستند و سه‌چهار نفر اشخاص مفسده‌جو و باقی‌مانده دست‌نشانده‌های حزب توده هستند که در سال ۱۳۲۵ش/۱۹۴۶م به کارگیری آنها را به کارخانه تحمیل کرده بودند (ساکما، سند شماره ۸۷۷، ۱).

## ۲. مهاجرت

درباب مهاجرت‌های داخلی، به‌ویژه مهاجرت روستاییان به شهر که ۸۰ درصد مهاجرت‌های داخلی را دربرمی‌گیرد نظریه‌های متعددی مطرح شده است. این نظریه‌ها در زمینه مهاجرت بیشتر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مهاجرت را بررسی می‌کنند. روانستین (Ravenstein)، اقتصاددان انگلیسی، نخستین کسی بود که مسئله مهاجرت و قوانین حاکم بر آن را بررسی کرد. او در سال ۱۸۸۵م/۱۲۶۳ش در مقاله «قوانین مهاجرت» نظریه‌های خود را بیان کرد و سپس در سال ۱۸۸۹م/۱۲۶۷ش آن را تکمیل کرد. به عقیده او عوامل جذاب اجتماعی و اقتصادی و فیزیکی، توجه فرد مهاجر را به محل مهاجرت جلب می‌کند و عوامل نامطلوب اقتصادی و اجتماعی و فیزیکی او را از محل اقامت خویش دفع می‌کند؛ همچنان که اقتصاددانان، بیشتر بر عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت توجه می‌کنند و این عوامل اقتصادی بیشتر به عوامل جمعی، به‌ویژه میزان دستمزد و درآمد و بیکاری معطوف است. در این نظریه، مهاجر از منطقه‌ای که در آن فرصت‌های کمتری وجود دارد، به مناطقی می‌رود که فرصت‌های چشمگیرتری در دسترس باشد (ابرای، ۱۳۷۰: ۷۰).

اما دیدگاه اقتصادی سمیر امین (Samir Amin) و مایکل تودارو (Todaro) نظریه‌ای است که درباب مهاجرت روستایی بسیار مطرح است و در کانون توجه قرار دارد. براساس نظریه امین، در نظام‌های پیش از سرمایه‌داری، کارگران اضافی هر اندازه هم که از لحاظ نظری فراوان بودند، باز هم از حق دسترسی به زمین برخوردار بودند؛ اما در نتیجه گسترش شکل‌های سرمایه‌داری، این حق از دست می‌رود. پیامدهای این فرآیند عبارت است از افزایش نسبت روستاییان بی‌زمین و حذف بخش فزاینده‌ای از این

روستاییان از مدار تولید. در این وضعیت، مکانیسم‌های مبادله نابرابر موجب می‌شود جمعیت روستایی باوجود افزایش بارآوری، فقیرتر شود. در این صورت باوجود کمبود کار در شهر، خروج روستایی و مهاجرت آن بیشتر می‌شود.

از نظر امین مهاجرت، حرکت قشرها و طبقه‌های معینی از روستاییان به شهر است که در پی تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور صورت می‌گیرد و از آنجا که کشورهای جهان سوم در مدار اقتصاد سرمایه‌داری جهانی قرار دارند، تحولات داخلی آنها از تحولات اقتصاد جهانی تأثیر می‌پذیرد؛ به عبارتی از نظر او، مهاجرت داخلی از یک سو از توسعه‌نیافتگی یا مکانیزاسیون کشاورزی سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر، از انباشت سرمایه و فرآیند صنعتی شدن در مراکز شهری (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۹).

بنابراین در کشورهای جهان سوم، از جمله ایران که حاکمان آن برای ایجاد پیشرفت و توسعه به ورود صنایع اقدام کردند، با ایجاد وضع برتر در نواحی شهری و توسعه آن، بی‌توجهی به مناطق روستایی روزبه‌روز بیشتر شد. نتیجه این امر کم‌رنگ شدن نقش اقتصادی محصولات کشاورزی در توسعه اقتصادی کشور و از رونق افتادن آن بود. بنابراین با از رونق افتادن فعالیت‌های کشاورزی، مهاجرت‌های روستایی شکل گرفت و این در حالی بود که جامعه شهری نیز توان جذب این جمعیت را نداشت. در مناطق جنوبی ایران، همچون بوشهر، نیز مهاجرت از روستا به شهر در حکم شکل غالب مهاجرت محسوب می‌شد. این مهاجرت‌ها ابعاد اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، جمعیت‌شناختی و طبیعی کشاورزی داشتند؛ ولی در مهاجرت‌ها، بُعد اقتصادی بیشترین نقش را ایفا می‌کرد. بنابراین مهاجرت کارگران غیرماهر از روستاهای اطراف به بندر بوشهر یکی از تأثیراتی بود که رونق

مناطق شهری و گسترش صنایعی همچون نساجی و ایجاد کارخانه اعتمادیه، بر ساختار اقتصادی/اجتماعی بوشهر گذاشت. هجوم این کارگران به شهر بوشهر، تعادل ساختی بین مناطق شهری و روستایی را از بین برد و تبعات منفی نیز در برداشت؛ از جمله اینکه تولیدات در روستاها سیر نزولی پیدا کرد؛ همچنین چون مهاجران روستایی نیروهای غیر ماهر و ارزان بودند و افراد فقیر محسوب می‌شدند و از نظر سطح کاری بین کارگران تفاوت وجود داشت، میزان حقوق دریافتی آنها برابر نبود و همین باعث می‌شد بین کارگران اختلاف و درگیری به وجود آید (تودارو، ۱۳۸۴: ۴۱۰).

براساس دیدگاه نظریه پردازان وابستگی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای جهان سوم، پدیده مهاجرت پدیده‌ای جدید و مرتبط با گسترش سرمایه‌داری وابسته در این کشورهاست. این نظریه‌پردازان به عامل دافعه جمعیت باور دارند و علت مهاجرت را به طور عمده، نابرابری سطح توسعه روستا و شهر می‌دانند؛ یعنی زمانی که نیروهای کار، روستاها را ترک می‌کنند، این امر باعث ایجاد الگوی نابرابری نیروی کار در شهرها و روستاها می‌شود و مهاجرانی که از روستا به شهرها وارد می‌شوند، در واقع به نفع شهرها هستند؛ چون هم نیروی ارزان هستند و هم کارخانه‌های صنعتی را با ارزان‌ترین قیمت به گردش درمی‌آورند (لهسانی‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۶ و ۱۷). مهاجرانی که در زمان صنعتی شدن ایران به بوشهر وارد شدند نیز در زمره همین مهاجران محسوب می‌شدند.

درواقع به سختی می‌توان در آن زمان روستایی پیدا کرد که دست کم یک یا دو کارگر از آن به اعتمادیه نرفته باشد. جاذبه اقلیمی شهر بوشهر برای مهاجران روستایی و وضع حمل و نقل، کارگران را مجبور می‌کرد برای ادامه کار در این کارخانه، در بوشهر

اسکان اختیار کنند.

سختی زندگی اقتصادی در مناطق روستایی بوشهر بسیاری از افراد را به کوچ زندگی در بندر بوشهر و کار در کارخانه اعتمادیه وادار کرد و تا اواخر فعالیت کارخانه مزبور، مهاجران روستایی بیشترین جمعیت مهاجران را تشکیل می‌دادند. مدیران کارخانه نیز به علت نزدیکی جغرافیایی و دستمزد کمتری که مهاجران روستایی در مقایسه با نیروی انسانی ساکن در بوشهر دریافت می‌کردند، از آنها استقبال می‌کردند. بیشتر کارگران مهاجری که در کارخانه به کار مشغول شدند، درس ناخوانده و از بخش فرودستان جامعه بودند که به علت فقر و تنگدستی و قحطی‌های مکرر اقدام به مهاجرت می‌کردند. دستمزد مناسب و امنیت نسبی که در کارخانه وجود داشت، از عوامل تعیین‌کننده برای مهاجرت آنها به کارخانه بود؛ ولی با وجود این اوضاع، در زمینه آموزش، بهداشت و درمان و مسکن با مسائل عمده‌ای روبه‌رو بودند. به علت نیاز متقابلی که کارگران مهاجر روستایی و مدیران کارخانه به یکدیگر داشتند، مدیران کارخانه تلاش‌هایی در راستای رفع مشکلات یادشده کردند؛ از جمله با ایجاد مهدکودک، توجه به بهداشت و درمان و واگذاری زمین در اطراف کارخانه به کارگران، تلاش کردند بخشی از مشکلات آنها را حل کنند.

یافته‌ها نیز از آن حکایت دارد که امنیت نسبی، امکانات مالی ثابت و خدمات بهداشتی باعث مهاجرت این افراد از روستاهای مختلف به بندر بوشهر و اشتغال در کارخانه اعتمادیه شد. بیشتر کارگران مزبور به‌تازگی فضای زندگی روستایی را ترک گفته بودند و با قوانین کار و همکاری با یکدیگر در یک شرکت و مقررات حاکم بر آن کمتر آشنا بودند؛ اما به مرور زمان انضباط کاری، مقررات

شرکت نساجی اعتمادیه و همزیستی با یکدیگر را آموختند. این شرکت نیز موفق شد مانند سایر کارخانه‌های نساجی، همچون نساجی اصفهان، و نیز صنعت نفت خوزستان در رشد جنبش‌های کارگری و همچنین قوام‌یافتن طبقه کارگر شهری در بندر بوشهر گام بلندی بردارد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۱۷ تا ۳۲۱).

### ۳. کمک به امور آموزشی، فرهنگی و خیریه

یکی از اقدامات شرکت اعتمادیه، کمک به حوزه معارف بود. این شرکت در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ م با اختصاص دادن قطعه زمینی به آموزش و پرورش، اقدام به ساخت دبیرستان دخترانه کرد و ساخت و ساز مدرسه شروع شد؛ ولی متأسفانه شروع ساخت واحد آموزشی مزبور با شروع مشکلات اقتصادی و مالی شرکت هم‌زمان شد و موفق نشدند دبیرستان مزبور را به بهره‌برداری رسانند. خوشبختانه پس از چندی، اداره آموزش و پرورش با کمک خیران این امر مهم را به انجام رساند و دبیرستان، شاهد نام‌گذاری شد (اکبر کاظمی، بوشهر، ۱۳۹۸).

این شرکت در امور خیریه نیز مشارکت داشت و بخشی از تولیدات آن صرف تولید البسه در شهر بوشهر و شهرها و روستاهای اطراف می‌شد؛ به‌ویژه از آسترهای تولیدی کارخانه به طور رایگان برای تهیه پوشاک و فرم‌های مدرسه استفاده می‌شد و در مراکز نگهداری معلولان و افراد بی‌بضاعت و یتیم‌خانه‌ها نیز با این آسترها لباس می‌دوختند (اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، ۱۳۹۳: ۱۰/۱، ۸۹، ۳۸۰ و ۳۸۱).

### تأثیر کارخانه اعتمادیه بر ساختار اقتصادی بوشهر

#### ۱. اشتغال

کارخانه ریسندگی و بافندگی اعتمادیه بر اوضاع

اقتصادی بوشهر نیز تأثیرات بسزایی گذاشت و در آن برهه زمانی، اقتصاد این شهر منوط به حضور این شرکت بود؛ چون با روی کار آمدن دولت پهلوی و انتقال کانون تجارت به بنادر خوزستان، اوضاع اقتصادی تجاری بوشهر دچار افول شد و بسیاری از تاجران آن به مناطق دیگر و حتی به خارج از کشور مهاجرت کردند و در آن مناطق سرمایه‌گذاری کردند؛ پس اگر شرکت اعتمادیه نبود چه بسا اقتصاد بوشهر به مراتب با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شد. به‌ویژه پس از تصویب قانون انحصار تجارت در سال ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۱ م، وضعیت اقتصادی به کلی برای این شهر عوض شد و اوضاع تجاری آن به سوی نابودی رفت. به همین علت بود که بسیاری از سرمایه‌داران این بندر یا به خارج از کشور مهاجرت کردند یا به سرمایه‌گذاری در تهران و شهرهای دیگر روی آوردند. کارخانه اعتمادیه به‌ویژه در زمان مدیرعاملی ایگار و از سال ۱۳۱۷ ش/ ۱۹۳۸ م در اشتغال کارگران تأثیر چشمگیری گذاشت. درحقیقت، در آن دوره زمانی حیات بوشهر به وجود این کارخانه وابسته بود؛ چون این کارخانه گذشته از اینکه در سال سود سرشاری نصیب سهام‌داران می‌کرد، برای بسیاری از اهالی این بندر نیز اشتغال‌زایی می‌کرد. در واقع، در آن دوران رکود و محرومیت، این کارخانه یکی از قطب‌های اصلی اشتغال در بوشهر محسوب می‌شد (ساکما، ۱۳۶۲: ۱۰۲). کارخانه در وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم اهمیت و جایگاه مهمی داشت. به همین علت وقتی با بروز مشکلاتی دچار تعطیلی می‌شد، گروه‌های گسترده‌ای همچون کارگران، کارمندان، مهندسان، تکنیسین‌ها، بازرگانان، بنگاه‌های بازربری و حمل‌ونقل و کشاورزان پنبه که مستقیم و غیرمستقیم ارتزاقشان به این کارخانه ارتباط داشت، از

اینکه در سال ۱۳۳۲ ش/۱۹۵۳م، شهرداری بوشهر بدون اینکه با شرکت اعتمادیه مشورت کند، قراردادی برای تأمین برق بوشهر با شرکت نساجی خلیج فارس منعقد کرد. شرکت اعتمادیه نیز دیگر زیر بار هزینه‌های هنگفت تجهیز، تعمیر و نگهداری برق شهر بوشهر نرفت و تصمیم گرفت وسایل موجود خود را جمع‌آوری کند؛ پس با ارسال نامه‌ای به شهرداری و فرمانداری بوشهر، به این کار اقدام کرد؛ علاوه بر آن با چاپ اطلاعیه‌ای در روزنامه سنگلاخ به تاریخ ۲۲ دی ۱۳۳۲/ژانویه ۱۹۵۳، موضوع را به اطلاع مردم رساند. اطلاعیه مزبور به این قرار بود: «... اینک هم مراتب را عرض و استحضار اهالی محترم بوشهر و سنگی می‌رساند که ناچاریم وسایل خود را جمع‌آوری کنیم تا مشتریان محترم قبل از جمع‌آوری وسایل موجوده برای تأمین روشنایی تدارک لازمه را برای خود دیده که ناگهان دچار تاریکی و مضیقه نشوند» (سنگلاخ، ۲۲۸۳ (۱۳۳۲): ۲).

### ۳. رونق تجارت خارجی بندر بوشهر

با توجه به سطح تولید و نیز مرغوبیت منسوجات کارخانه اعتمادیه، بخش عمده تولیدات این کارخانه به خارج از کشور صادر می‌شد. این حجم از صادرات در زمانی که تجارت بوشهر رونق اصلی خود را از دست داده بود، موجب تقویت تجارت خارجی بوشهر و به تبعه آن ایران از راه خلیج فارس شد. کشور هندوستان یکی از کشورهای طرف تجاری کارخانه بود. در سال ۱۳۲۲ ش/۱۹۴۳م بیشترین دادوستد منسوجات میان بوشهر و هندوستان انجام شده است (اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، ۱۳۹۳: ۱۹/۱ و ۷۰ و ۲۸۳).

براساس اسناد موجود، افزایش میزان صادرات منسوجات این کارخانه به هند و سایر کشورها موجب

فرط استیصال و پریشانی واکنش نشان می‌دادند؛ پس مسئولان و مدیران شهر، همچون استاندار و فرماندار و روسای اتاق بازرگانی، نیز برای رفع مشکل کارخانه تلاش می‌کردند؛ برای نمونه براساس اسناد موجود اتاق بازرگانی بوشهر، در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۴۳ ش/۱۹۴۴ و ۱۹۶۴م که کارخانه تعطیل شد، با پیگیری موضوع و دعوت از مسئولان مربوط، در پی راه‌اندازی مجدد کارخانه برآمدند (اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، ۱۳۹۳: ۳۵۵/۱ و ۴۰۴ تا ۶۰۳). به علت اینکه تعطیلی کارخانه طولانی شد، در ۵ اسفند ۱۳۴۶/فوریه ۱۹۶۸ نیز اتاق بازرگانی جلسه‌ای برگزار کرد که یکی از دستورات آن جلسه، بررسی موضوع تعطیلی کارخانه اعتمادیه بود (اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، ۱۳۹۳: ۲۸۹/۱ و ۶۷۰ و ۶۹۹)؛ بنابراین در آن مقطع زمانی این باور وجود داشت که از پرتو کار و گردش چرخ کارخانه نساجی اعتمادیه بسیاری از مردم به کسب‌وکار دسترسی پیدا می‌کنند.

### ۲. تأمین برق محلات مختلف بندر بوشهر

یکی از تأثیرات کارخانه اعتمادیه بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی بوشهر، تأمین برق مناطقی از بندر بوشهر مانند محلات بهمینی، دواس، مخبلند و برخی مراکز آموزشی همچون دانشگاه خلیج فارس، در ابتدای تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۷۱ ش/۱۹۹۲م بود (علیرضا فیوض، بوشهر، ۱۴۰۰). علاوه بر محلات اطراف کارخانه، از برق کارخانه در مرکز شهر بوشهر نیز استفاده می‌شد (بrazجانی، ۱۳۹۷: ۹۸ و ۹۹). تأمین برق از نظر مالی برای شرکت به صرفه نبود و به‌ویژه در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ ش/۱۹۵۲ و ۱۹۵۳م زیان‌ده نیز بود؛ ولی شرکت برای رفاه عمومی و کمک به مردم شهر بوشهر به برق‌رسانی به شهر ادامه داد. تا

افزایش قیمت تولیدات این کارخانه شد؛ چنانکه اتاق بازرگانی بوشهر در مهر ۱۳۲۲/۱۹۴۳م اعلام کرد بازار معامله منسوجات کارخانه اعتمادیه به واسطه داشتن مشتری بسیار صدی پانزده تغییر کرده است. در بهمن ۱۳۲۲/فوریه ۱۹۴۳ نیز اعلام کرد در این ماه، بازار کارخانه اعتمادیه به علت داشتن مشتری رونق خوبی داشته است (همان: ۷۴/۳/۱ به شماره ۷۶/۱، ۳۰۸).

برخلاف سال ۱۳۲۲ش/۱۹۴۳م، در سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م به علت اوضاع ناشی از جنگ جهانی دوم، صادرات کالاهای داخلی به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، کاهش واردات پارچه‌های خارجی، کاهش قیمت تولیدات داخل به علت صادرات کمتر و تنزل معاملات و نیز کمی پول وضع معاملات به هم ریخت؛ بنابراین در سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴، منسوجات اعتمادیه نیز به علت وضعیت بازار تنزل یافت (همان: ۷۶/۳/۱، به شماره ۳۲۴).

به همین منوال در تمام ماه‌های سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م وضع بازار راکد بود و کالاهای کارخانه اعتمادیه نیز روزبه‌روز تنزل بیشتری می‌یافت؛ ولی در سال ۱۳۲۴ش/۱۹۴۵م وضع فروش کارخانه اعتمادیه در مقایسه با سال ۱۳۲۳ش/۱۹۴۴م بهتر شد و باعث رونق تجارت خارجی بوشهر و به تبع آن ایران از راه خلیج فارس شد (همان: ۷۶/۳/۱، به شماره ۳۲۴).

#### نتیجه

صنعت نساجی سنتی و تولید انواع پارچه به صورت دست‌بافت، در شهرهای مختلف ایران سابقه طولانی دارد؛ اما ورود کالاهای ارزان قیمت و با کیفیت اروپایی در دوره قاجار، موجب شد صنعت نساجی سنتی ایران موفق نشود با منسوجات وارداتی

رقابت کند؛ بنابراین این صنعت دچار رکود شد. روی کار آمدن رضاشاه و اعمال سیاست‌های اقتصادی جدید به قصد ارتقای صنایع مختلف، به ویژه صنعت نساجی، موجب رونق مجدد این صنعت و ایجاد کارخانه‌های نساجی در مناطق مختلف کشور شد. نخستین کارخانه نساجی در سال ۱۳۰۴ش در ایران تأسیس شد و به دنبال آن، واحدهای مختلف صنعتی مرتبط با نساجی از قبیل نخ‌ریسی، گونی‌بافی و غیره در شهرهای مختلف کشور ایجاد شد.

در بوشهر نیز مانند سایر مناطق ساحلی خلیج فارس، بافتن گلیم و سایر صنایع دستی قدمت بسیاری داشت؛ اما صنعت نساجی به شکل جدید آن از دوره رضاشاه ایجاد شد و ابتدا شرکت نساجی خلیج فارس و پس از آن شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه تأسیس شد. مقدمات راه‌اندازی این شرکت در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ش فراهم شد و سرانجام در سال ۱۳۱۷ش با تلاش و پیگیری‌های اتاق بازرگانی بوشهر حسین ایگار، معروف به اعتمادالتجار، این کارخانه را به طور رسمی تأسیس کرد.

تشکیلات اداری و مدیریت شرکت اعتمادیه براساس اساسنامه‌ای بود که در نخستین مجمع عمومی شرکت در ۲۰ شهریور ۱۳۱۷ش، در ۵ فصل و ۶۳ ماده تصویب شده بود. براساس اساسنامه مزبور، شرکت اعتمادیه از همان ابتدا به صورت شرکتی سهامی بود و در رأس آن مدیرعامل قرار داشت که رئیس هیئت‌مدیره، مدیرکل و مدیرعامل شرکت بود. مدیرعامل در شرکت اختیارات کاملی اعم از استخدام نیرو، عزل و نصب کارکنان و امضای قراردادهای مختلف داشت. پس از مدیرعامل اعضای هیئت‌مدیره و بازرسان قرار داشتند که همگی را مجمع عمومی انتخاب می‌کرد. در مجموع، اساسنامه شرکت تعیین

سرمایه‌داران آن به شهرهای دیگر و نیز تصویب قانون انحصار تجارت، با رکود مواجه شده بود. افول تجارت برای شهری نظیر بوشهر که اقتصاد آن بیشتر تجارت دریایی بود و بر تجارت و سرمایه‌تاجران استوار بود، خسروانی جبران‌ناپذیر بود.

در این اوضاع، راه‌اندازی کارخانه اعتمادیه تاحدودی این رکود را جبران کرد و در وضعیت اقتصادی آن روزهای بوشهر تأثیر مثبت چشمگیری گذاشت؛ به گونه‌ای که باعث رونق کسب‌وکار و افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی و گسترش تجارت خارجی شد و از این راه، رکود بیشتر این بندر و مهاجرت مردمانش به شهرهای دیگر را مانع شد. این شرکت همچنین در زمانی که از درآمد مناسبی برخوردار بود، با ارائه خدمات آموزشی و رفاهی، همچون ایجاد مهدکودک و اهدای زمین به کارگران، به مسائل رفاهی آنها نیز توجه می‌کرد.

ایجاد کارخانه اعتمادیه علاوه بر نتایج اقتصادی و صنعتی، نتایج اجتماعی نیز به‌دنبال داشت؛ از جمله باعث مهاجرت افراد بسیاری، از مناطق مختلف شهری و روستایی اطراف بوشهر، به این شهر شد که ورود این افراد و خانواده‌های آنها تغییراتی را در چهره شهر ایجاد کرد و موجب بهبود سطح زندگی مردم شد؛ همچنین تأسیس این کارخانه، پیدایی طبقه کارگران صنعتی را در بوشهر به‌دنبال داشت. طبقه کارگرانی که بیشتر از مهاجران روستایی بودند. در آن مقطع، سطح زندگی روستاییان پیرامون بوشهر، همانند بیشتر مناطق روستایی ایران، نامطلوب بود؛ بنابراین ایجاد این کارخانه موجب مهاجرت آنها به شهر بوشهر شد؛ مهاجران به مرور زمان، با مراداتی که با سایر کارکنان شرکت داشتند، آگاهی‌های بیشتری به دست آوردند. این آگاهی‌ها باعث رشد فکری و

کننده تمام مسائل شرکت اعم از نحوه تشکیل و محل شرکت، چگونگی تعیین مدیرکل، نحوه انتخاب و چگونگی فعالیت و اختیارات هیئت‌مدیره، نحوه سرمایه‌گذاری و خرید تجهیزات و مواد اولیه، تشکیل مجمع عمومی و فوق‌العاده، وظایف بازرسان، تنظیم حساب سالیانه (ترازنامه) و تعیین منافع شرکت و سرانجام نحوه انحلال شرکت بود.

از لحاظ نیروی انسانی، این شرکت هم در حوزه تولید و هم در امور اداری و خدماتی، کارکنان مختلفی اعم از زن و مرد داشت. بیشتر کارگران غیر ماهر آن از شهر بوشهر یا شهرها و روستاهای اطراف آن بودند که هیچ سهمی در کارخانه نداشتند. البته از کارگران خارجی، به ویژه هندی، نیز استفاده می‌شد؛ اما در آن زمان چون ایران با کمبود نیروی ماهر داخلی روبه‌رو بود، کارگران ماهر شرکت را بیشتر از کشور انگلیس می‌آوردند که در مقایسه با کارگران داخلی، دستمزد بیشتری نیز می‌گرفتند. ماشین‌آلات و تجهیزات و وسایل کارخانه و لوازم آزمایشگاهی کارخانه نیز بیشتر از کشورهای ژاپن و ایتالیا خریداری می‌شد که کیفیت مناسبی نیز داشت؛ به همین علت این کارخانه از نظر تولید، در زمان رونق، وضعیت مناسبی داشت و پارچه‌های مثقال مرغوبی را که از نخ پنبه تهیه می‌کرد، به شهرهای مختلف ایران ارسال می‌کرد.

این کارخانه در دهه نخستین فعالیت رونق خوبی داشت و بر ساختار اقتصادی و اجتماعی بوشهر تأثیرات چشمگیری برجای گذاشت. این شرکت از یک سو زمینه اشتغال بیش از هزار نفر را فراهم کرد و از سوی دیگر موجب شد اقتصاد بوشهر دوباره رونق نسبی پیدا کند؛ چون پس از انتقال کانون تجارت از این بندر به بنادر خوزستان و مهاجرت بسیاری از

ارتقای جایگاه آنها و در نهایت، موجب شکل‌گیری طبقه کارگر صنعتی و شهری در این شهر شد. این طبقه به مرور زمان، با نفوذ گرایش‌های کمونیستی به درون شرکت، از افکار و اندیشه‌های حزب توده تأثیر پذیرفت و به اعتراضات کارگری دست زد. بنابراین بیان این ادعا ممکن است که این شرکت در پیوند میان حزب توده و هویت‌بخشی اجتماعی طبقه کارگر در بوشهر، نقش مؤثری داشته است.

از نظر فرهنگی نیز این شرکت در حوزه معارف و فرهنگ و امور عام‌المنفعه فرهنگی اجتماعی مشارکت می‌کرد. مبادرت به راه‌اندازی مدرسه نجابت و حمایت از مؤسسات خیریه و یتیم‌خانه‌ها، با اهدای پارچه و نخ برای تهیه البسه، از جمله اقدامات شرکت در این راستا بود. در مجموع، تأسیس این کارخانه در بوشهر تأثیرات اقتصادی و اجتماعی مختلفی داشت.

#### کتابنامه

##### الف. اسناد آرشیوی منتشر نشده

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

شناسه‌های:

۳۳۵۱-۴۷۸۱/۱۰/۱۲، سند شماره

۱۴۰۰۲/۴/۲۷، سند شماره

۵۱۰۹-۲۹۳-۹۸/۱/۳۰، سند شماره

۷۰۹۱۰۱۸/۹/۱۷، سند شماره

۱۳۳۰، سند شماره NLAI-۹۸-۲۹۳-۹۷۹۰

۹۸۲۹۳۹۷۹۰/۲/۲، سند شماره

۵۵۷۲۰-۱۰۴۰۶/۶/۱۴، سند شماره س.ش:

۱۰۶۰۶-۵۵۷۰/۶/۱۷، سند شماره

۹۷۹۱-۲۹۳-۹۸/۱۱/۲۶، سند شماره

۲۴۳۵۷۶/۲/۱۲، سند شماره

۴۲۴۵۴۰/۲/۲۹، سند شماره

۱۳۳۸/۴/۶، سند شماره ۹۸۳۸

۱۳۳۹/۱/۳۰، سند شماره ۵۱۰۹

۱۳۴۰/۶/۳۰، سند شماره ۸۷۷

۱۳۴۳/۳/۹، سند شماره ۲۹۳-۱۳۱۹۵

۲. اسناد اداره کل ثبت اسناد و املاک استان

بوشهر.

شناسه‌های:

۱۴۶۵۱-۲۲۹-۱۱۳۳، ۰۴۸۰۹۵، ۱۴۶۵۱، ۷۲۶.

۱۷۵۶، ۲۰۲۰۱۱۱۹، ۱۰۱۵۵۵

۳. اسناد موجود در دفتر شرکت ریسندگی

وبافندگی اعتمادیه.

ب. اسناد منتشر شده

۱. اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، (۱۳۹۳)، به

کوشش مجتبی پدیدار، ج ۱، تهران: آبادبوم.

ج. کتاب‌های فارسی

۲. آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۷)، ایران بین دو

انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: مرکز.

۳. ابرای، ا. س، (۱۳۷۰)، مهاجرت و توسعه

شهرنشینی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نجوا.

۴. استراتژی صادراتی نساجی و پوشاک ایران،

(۱۳۹۱)، تهیه و تنظیم اتحادیه تولید و صادرات

نساجی و پوشاک.

۵. برازجانی، سیامک، (۱۳۹۷)، تاریخ شفاهی بازار

بوشهر؛ خاطرات حاج غلامعلی نبوی، بوشهر: پاییزه.

۶. تو دارو، مایکل، (۱۳۸۴)، توسعه اقتصادی در

جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران:

کوهسار.

۷. حافظیان، فاطمه، (۱۳۸۰)، تشکل‌های کارگری

و کارفرمایی در ایران، تهران: اندیشه برتر.

۸. حبیب‌زاده، افشین، (۱۳۸۷)، مشارکت سیاسی

طبقه کارگر در ایران، تهران: کویر.



۹. رزاقی، ابراهیم، (۱۳۶۷)، اقتصاد ایران، تهران: نی.
۱۰. فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، صنعتی‌شدن ایران؛ شورش شیخ‌احمد مدنی ۱۹۲۵-۱۹۰۰، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
۱۱. فوران، جان، (۱۳۹۰)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، چ ۱۱، تهران: رسا.
۱۲. کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، (۱۳۹۷)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، تهران: مرکز.
۱۳. لهسایی‌زاده، عبدالعلی، (۱۳۶۸)، نظریات مهاجرت، تهران: نوید.
۱۴. مستوفی، حمدالله، (۱۳۴۳)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۳، چ ۲، تهران: مصور.
- د. نشریات
۱۵. پیک خجسته (هفتگی - سیاسی - اقتصادی - ادبی ویژه خلیج فارس)، س ۱۹، ش ۷۹۸، یکشنبه ۱۲۴ آذر ۱۳۴۷.
۱۶. روزنامه سنگلاخ، س ۴، ش ۳۵، شنبه ۲۵ دی ۱۳۳۳.
۱۷. روزنامه کیهان، ش ۸۶۲۴، تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۵۱.
- و. مقالات
۱۸. عبدالمهدی، رجائی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، «موانع اجتماعی فرهنگی تشکیل شرکت و تأسیس کارخانه در ایران عصر قاجار»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره چهارم، ش ۲، ص ۹۹ تا ۱۲۳.
- ه. مصاحبه‌ها
۱۹. علیرضا فیوض، عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس، ۱/۹/۱۴۰۰.
۲۰. اکبر کاظمی، حسابدار سابق اعتمادیه، بوشهر، ۱۳۹۸/۵/۲۳، آرشیو شخصی.
۲۱. مرتضی کاظمی، بوشهر، ۱۳۹۸/۵/۲۶، آرشیو شخصی.
۲۲. کاظم پولادتن، بوشهر، ۱۳۹۸/۹/۴.

پیوست



تصویر شماره ۱: حسین ایگار مؤسس و مدیرعامل شرکت اعتمادیه.



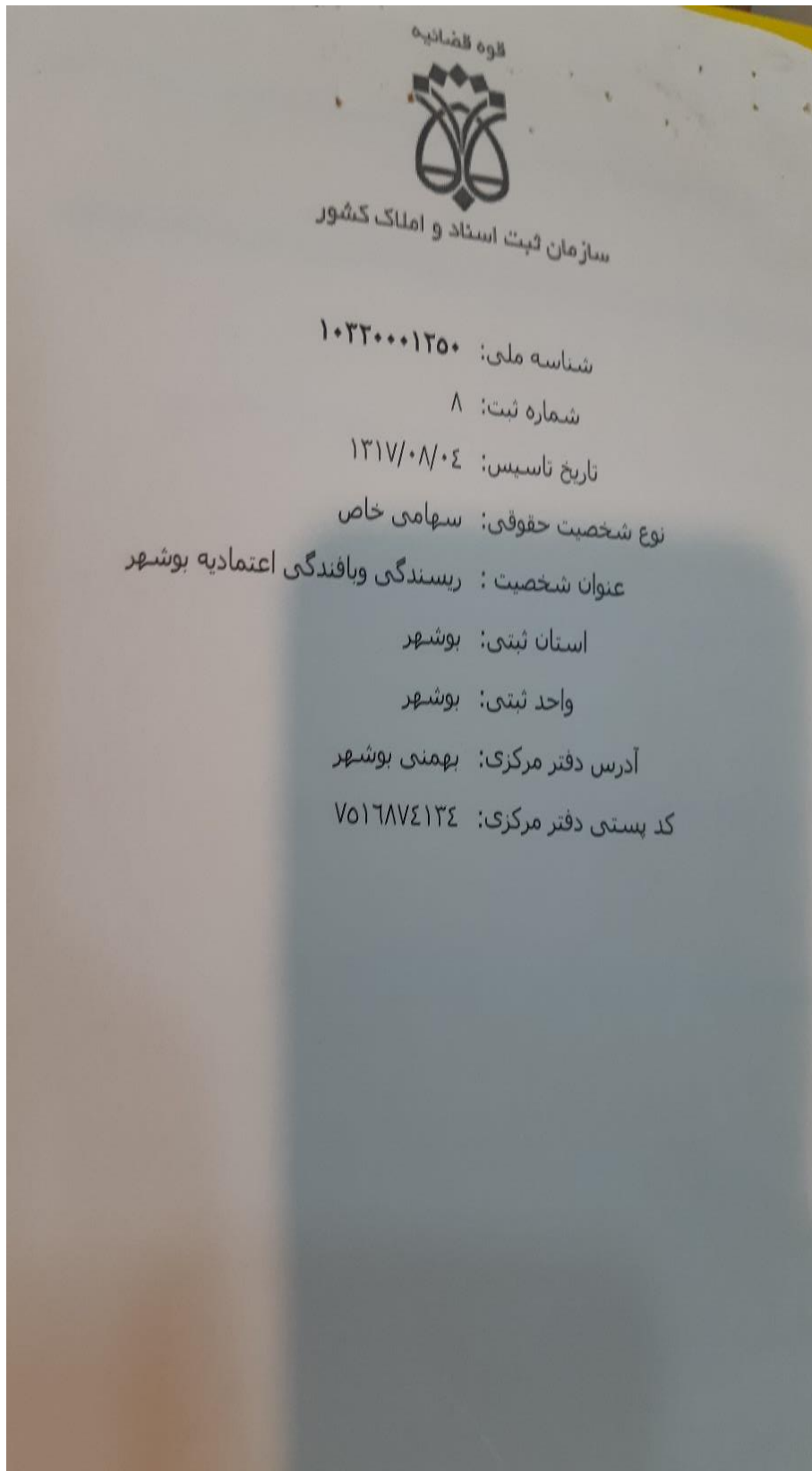
تصویر شماره ۲: کارکنان شرکت اعتمادیه.



تصویر شماره ۳: انواع نخ‌های شرکت اعتمادیه تولیدی.



تصویر شماره ۴: انواع پارچه‌های تولید کارخانه اعتمادیه.



تصویر شماره ۵: سند شماره ۱: مشخصات رسمی شرکت اعتمادیه.





تصویر شماره ۶: سند شماره ۳ و ۲: نمونه سهام واگذار شده بی نام شرکت اعتمادیه به مبلغ ۱۰۰۰ ریال به تاریخ آبان ۱۳۱۷ ش.